

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترت روزنامه

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴ • ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۳۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۶ • اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

طنزخوانی

نسخه داخلی هوش مصنوعی؟ ممنون ولی نه!



آبدین سیار سریع

هوش مصنوعی دارد به پیشرفت عجیبی در جهان می‌رسد، به طوری که آدم از این استفاده‌هایی که خودش از ای‌آی می‌کند خجالت می‌کشد. خبر آمده آلبانیایی‌ها که دیگر در زمینه مبارزه با فساد از انسان ناامید شده‌اند، با هوش مصنوعی یک مقام دولتی ساخته‌اند که جلوی فساد و بخوربخور را بگیرد. آن‌وقت اینجا در کشور عزیزمان، من داشتم در اینستاگرام چرخ می‌زدم که دیدم دوستان با هوش مصنوعی، عکس علی دایی را ساخته‌اند که با گل و شیرینی به عبادت قلقلی رفته و در کپشن نوشته‌اند «برای رفع تیرگی، عدد یک رو کامنت کن». یکم اسکرول کردم، دیدم یک صفحه دیگر سریال خانه به دوش را با فرزند تلفیق کرده، کاراکترا سفره انداخته‌اند کف سنترال‌پوک مریم امیرجلالی که جینفر آنیستون می‌گوید برو پیژامه باباتو بپوش. در مشاهداتی دیگر از اینستاگرام، ویدئوهایی با موضوع موتورسواری مهربانانه آجلینا جولی با احمدی‌نژاد، شخصیت «مشکل برات پیش آمده کشمک» به حالت نوزاد و کشیدن قلیان خونسار توسط ترامپ در بالکن کاخ سفید دیده شده که احتمالا خود هوش مصنوعی موقع دریافت پرامپت این‌جوری بوده که باشه ولی چرا؟ به‌رحال جوامع مختلف نیازهای متفاوتی هم دارند. آلبانیایی‌ها الان احساس کرده‌اند که نیاز به مبارزه با فساد دارند. ما خدا را هزار مرتبه شکر، چنین نیازی حس نمی‌کنیم، مثلاً ما یک رفیقی داریم که این، مبارزه با فساد نیاز دهمش هم نیست. یک مدت گیر داده بود به هوش مصنوعی که بیا با هم ازدواج کنیم.

هر چی این چت‌جی‌بی‌تی بدیخت می‌گفت بابا نمیشه، ول کن برو بی زدنیکت، بیا برات یه جدول درست کنم از دخترهایی که واقعا می‌تونی باهاشون ازدواج کنی! این رفیق ما می‌گفت نه، من تو رو می‌خوام. در نهایت، چه‌تبات که جوری برنامه‌نویسی شده که مشتری را نپراند گفت باشه، فرض می‌کنیم که مثلاً داریم ازدواج می‌کنیم، مهریه‌ام هم مثلاً ۱۰ شاخه گل رز. این رفیق ما نگاهی به جیبش کرد و دید مثلاً هم نمی‌تواند ۱۰ شاخه گل رز بخرد و خوشبختانه مراسم کنسل شد. می‌خواهم بگویم گاهی آدم در تصوراتش هم شکست می‌خورد. به طور مثال من الان دارم هوش مصنوعی فسادستیز را برای خودمان تصور می‌کنم و در تصورات خودم هم به نتایج جالبی نمی‌رسم. این هوش مصنوعی که بای‌دیفالت تربیت ندارد، ما بایدم تربیتش کنیم. مثلاً اگر هوش مصنوعی ناظر فردا اپیرسد «اگه دیدم یک نفر داره یک کار مفیدی برای مملکت انجام میده چیکار کنم؟»، ما که نمی‌توانیم بگویم تشویقش کن. از فردا همین رویه می‌شود و ما خودمان هم باید کار کنیم. مجبوریم بگویم: «کاری نکن. فقط زیرآبش رو بز». اگر باز هم پرسید که «من توی مدارک ریز شدم و دیدم یک نفر این وسط داره به پول ناحقی می‌ذاره تو چیش»، ما که نمی‌توانیم بگویم نون سردم را ببر، باید بگویم ولش کن، ندید بگیر. اگر بگوید «این شرکت ارز دولتی گرفته، جنس وارد کرده با ارز آزاد داره می‌فروشه، چیکار کنم؟». ما چی باید بگیم؟ پرامپت بدیم که سریع جلوش رو بگیر و رسانه‌ای کن؟ فردا اگر مافیای آن کالا ریختند سر هوش مصنوعی و فشار آوردند که «برنامه دروغین مسدود باید گردد»، جواب پدر و مادر هوش مصنوعی را چه کسی می‌دهد؟ مجبوریم به خاطر امنیت خودش بگویم دهنش رو ببند، برو همون علی دایی و قلقلیت رو بساز. پس هی نگوییم چرا بقیه دنیا استفاده از هوش مصنوعی اون جوری است و اینجا این‌جوری. هر کشوری بسته به نیازش دارد از این‌ا امکان بهره می‌برد. ما هم که مسئله پرامیان روشن است. همیشه نیاز به سرگرمی داریم.



بیست‌وسوم همراه به عنوان روز جهانی نابینایان (عصای سفید) نامگذاری شده است. مدرسه نابینایان موسی ابن‌جعفر(ع) همدان با داشتن حدود ۳۵ دانش‌آموز دختر و پسر نابینا و کم‌بینا در پایه‌های تحصیلی مختلف، به این دانش‌آموزان خدمات مختلفی را ارائه می‌کند. عکس: مسعود شهرستانی، تسنیم

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

دو اسم، دو خاطره، دو نقطه‌چین

از مهرجویی تا تقوایی...



مهرزادادانش

بونوئل) در ساخت فیلم بانو داشت، به این فهرست اضافه کرد. اقتباس از آثار ادبی ایرانی نیز باز در فهرست فیلم‌های هر دو سینماگر بارز بود. تقوایی فیلم آرامش در حضور دیگران را براساس یکی از داستان‌های مجموعه‌داستان واهمه‌های بی‌نام و بی‌نشان غلامحسین ساعدی ساخت و سریال دایی‌جان ناپلئون را هم براساس رمان معروف ایرج پزشک‌راد کارگردانی کرد. مهرجویی نیز فهرست پرشماری از فیلم‌هایش اقتباس از داستان‌های ایرانی بود: کاو از مجموعه‌داستان عزاداران بَیَل غلامحسین ساعدی، آقای هالو از نمایش‌نامه هالو نوشته علی نصیریان، دایره مینا از داستان آشغالدونی غلامحسین ساعدی، لیل‌ا از داستانی از مهناز انصاریان، درخت گلانی از داستانی از کلی ترقی و مهمان مامان از کتاب داستان هوشنگ مرادی‌کرمانی.

هر دو فیلم‌ساز با بومی‌سازی آثار خارجی (مثل همینگوی برای تقوایی و ایبسن برای مهرجویی) و افزودن لایه‌های فرهنگی ایرانی، به خلق آثاری اصیل دست یافتند. با این‌حال اگرچه هر دو در اقتباس، وفاداری به روح متن را با خلاقیت سینمایی ترکیب کردند، اما مهرجویی اغلب به سمت مضامین فلسفی و اگزیستانسیال‌گرایش داشت، درحالی‌که تقوایی بر فضاسازی بصری و روایت‌های حماسی یا اجتماعی متمرکزتر بود. این تفاوت را به‌خوبی می‌توان در دو اقتباسی دید که هر یک از داستان‌های ساعدی کرده‌اند. هر دو

اقتصادخوانی

چشم‌انداز بازارهای جهانی انرژی وفلزات گران‌بها تا پایان سال ۲۰۲۵



روزبه خسروخاور

در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، بازار انرژی با مازاد عرضه چشمگیری روبه‌رو است. داده‌های موجود نشان می‌دهد که تولید روزانه نفت خام در سطح جهانی حدود دو میلیون بشکه بیش از میزان تقاضاست. این‌ن بود توازن میان عرضه و مصرف، چشم‌انداز رشد قیمت نفت را محدود کرده است. براساس تحلیل‌های بنیادی، در وضعیت ثبات سیاسی و اقتصادی، قیمت نفت توان عبور از مرز ۵۹ دلار برای هر بشکه را نخواهد داشت. فقط در صورت بروز اختلال در عرضه، وقوع تنش‌های ژئوپلیتیکی یا اتخاذ سیاست‌های هماهنگ در چارچوب اوپک برای کاهش تولید، امکان افزایش درخور توجه قیمت‌ها وجود خواهد داشت. در غیراین‌صورت، انتظار می‌رود بازار نفت در بازه‌ای میان ۵۵ تا ۶۰ دلار در هر بشکه نوسان کند.

هم‌زمان بازار نقره نشانه‌هایی از کمبود عرضه و فشار فزاینده تقاضا را تجربه می‌کند. رشد صنایع وابسته به انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه تولید پنل‌های خورشیدی و تجهیزات الکترونیکی، سهم‌نفره را در زنجیره صنعتی جهان افزایش داده است. محدودیت در استخراج و هزینه‌های بالای تولید سبب شده که تعادل این بازار به نفع افزایش قیمت تغییر کند. پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم روند کنونی، بهای نقره تا پایان سال ۲۰۲۵ به سطح ۶۰ دلار در هر اونس برسد.

در بازار طلا نیز چشم‌انداز صعودی تداوم دارد. سیاست‌های پولی انبساطی

بانک‌های مرکزی بزرگ، افزایش بدهی‌های عمومی و تداوم تورم ساختاری، زمینه‌ساز رشد بیشتر قیمت طلا شده‌اند. کاهش نرخ‌های واقعی بهره موجب افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به دارایی‌های امن شده است. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود بهای هر اونس طلا تا پایان سال ۲۰۲۵ به حدود چهارهزارو ۵۰۰ دلار برسد. این روند نه‌تنها بازتاب نااطمینانی‌های اقتصادی، بلکه نتیجه طبیعی سیاست‌های پولی مبتنی بر تزریق نقدینگی است.

در عرصه دارایی‌های دیجیتال، بیت‌کوین به عنوان پیش‌روترین رمازر جهان، در حال ورود به مرحله‌ای تازه از بلوغ و پذیرش نهادی است. در صورت ثبات ژئوپلیتیکی و حفظ شرایط مالی فعلی، احتمال رشد بهای بیت‌کوین تا سطح ۱۴۲ هزار دلار وجود دارد. این ارزیابی بر پایه مدل‌های چرخه‌ای پس از هاوینگ، جریان‌های نقدینگی جهانی و تقویت نقش بیت‌کوین به عنوان «طلای دیجیتال» صورت گرفته است.

جمع‌بندی این چشم‌انداز نشان می‌دهد که بازار جهانی در آستانه تغییرات ساختاری قرار دارد. درحالی‌که نفت به دلیل مازاد عرضه و فشارهای تولید، در محدوده‌ای محدود از نوسان باقی می‌ماند، فلزات گران‌بها و دارایی‌های دیجیتال از پتانسیل رشد درخور توجه برخوردارند. آینده این بازارها به میزان زیادی به پایداری سیاسی، ثبات مالی و جهت‌گیری سیاست‌های پولی اقتصادهای بزرگ وابسته است.

یادداشت

مهاجرت در روزگار عسرت



علی‌مرسلی

خود حافظ نیز در مقاطعی مشتاق مهاجرت بود؛ چنان‌که روایت کرده‌اند از دربار هند پذیرش فول‌فاند گرفت و تا خرید بلیت کشتی هند هم پیش رفت، اما در نهایت منصرف شد:

چه آسان می‌نمود اول غم دریا به بوی سود غلط کردم که این توفان به صد گوهر نمی‌ارزد
با این همه، تا ۱۵۰ سال پس از حافظ هم اوضاع چندان تفاوتی نکرد؛ شاعران و حکیمان ایرانی در جست‌وجوی مهاجرت بودند و دربار ترکان گورکانی در هند همواره پذیرای شاعران فارسی‌زبان بود. عرفی شیرازی، یک قرن و نیم بعد از حافظ، در روزگار شاه

دغدغه‌خوانی

آقای پزشکیان، از عدالت خیره‌ای فاصله بگیرید!

محمدرضا نیک‌زاد

رئیس دولت در نشست «آیین بهره‌برداری هم‌زمان از طرح‌های توسعه عدالت آموزشی» با اشاره به بخشی از دشواری‌های سامانه آموزشی گفتند: «من-دولت پول که ندارم. مردم که می‌توانند، من کافی است که از مردم بخواهم که کمک کنند. ما هم کمک می‌کنیم. هیچ‌کس نمی‌خواهد بچه‌اش بد آموزش ببیند. هیچ‌کس نمی‌خواهد بچه‌اش ناتوان بشود. ما هستیم که نمی‌توانیم اینها را درست تربیت کنیم؛ این ماییم که بچه‌ها را به جایی هدایت می‌کنیم که در آینده نمی‌توانند شغل پیدا کنند، نمی‌توانند کاری بکنند، کاری ازشان برنمی‌آید! آنها مقصر نیستند؛ ما مقصریم و ما باید این روند را تغییر دهیم با کمک شما مردم». همچنان‌که دیده می‌شود، رئیس دولت پس از اشاره به ضرورت مشارکت مردم در آموزش، همانند مدیران مدرسه در جلسه‌های اولیا و مربیان اندکی از آموزش گفتند و سپس به صحرای بی‌پولی و ناتوانی مالی زدن و همراه‌استا با سیاست‌های دو، سه دهه گذشته مشارکت خانواده‌ها و مردم را محدود به جیب آنان کرده و برای گرداندن حداقلی بزرگ‌ترین نه‌اد، اجتماعی در دوران مدرن دست باری به سوی جامعه دراز می‌کند. سال‌هاست که مشارکت لایه‌های گوناگون اجتماعی در آموزش فقط در تأمین بودجه خلاصه می‌شود؛ و حتی در مدرسه‌های خصوصی که از صفر تا صد هزینه‌ها از جیب مردم درمی‌آید، دولت چیرگی صدصدی دارد و هم خر را برده و هم صاحب خرماها شده.

جناب آقای پزشکیان! دست‌اندرکاران سیاسی-آموزشی یا خوانید یا خود را به خواب زده‌اند. برادر من! اصل ۳۰ قانون اساسی دسترسی به آموزش رایگان و کیفی را حق همه شهروندان و اجرای آن را وظیفه ذاتی دولت می‌داند؛ سال‌هاست که در کشورهایی که حتی این اصل پیشرو را نداشته‌اند، همین اصل در عمل دارد اجرا می‌شود. این چه افسانه پرتکراری است که دولت پول ندارد؟ اگر دولت نمی‌تواند به وظیفه ذاتی خود، یعنی آموزش و درمان رایگان رسیدگی کند، پس این‌همه دم و دست‌گه به چه کار می‌آید؟ پس این همه مالیات یا خجسته می‌رود؟ در دو، سه دهه گذشته همواره افسانه بی‌پولی دولت از سوی دست‌اندرکاران تکرار شده و شوروبخانه جامعه و مردم نیز به خاطر آینده فرزندان خود گام به گام از این اصل پا پس کشیده و دولت‌ها را جسورتر و در برابر جامعه طلبکارتر کرده است. فراوان شنیدیم که دولت به عنوان ضرر‌خوری تحمل می‌شود تا انگشت‌شمار خیر عمومی، از آن میان آموزش و درمان، را بیکری کند. آقای دکتر! شما در همه جا می‌گویید که به عدالت باورمند و متعهدید؛ اما عدالت مورد نظر شما «عدالت خیره‌بای» است، می‌دانید چرا؟ چون هم‌زمان که شعار عدالت می‌دهید، بار اجرا و گسترش آن، که وظیفه ذاتی دولت‌هاست، را از دوش خود برمی‌دارید و بر کرده خم شده مردم و خیرین می‌گذارید. شما خود را با شعار پاسخ‌گویی، به رای‌دهندگان ارائه کردید، درست است؟ خوب به عنوان یک شهروند می‌توانم پاسخ شما درباره «عدالت مورد نظرتان و همچنین برونداد ۵۰،۴۰ جلسه‌ای بیکری عدالت آموزشی که در آن شرکت کرده‌اید را بدانم؟ جناب دکتر! بخش مهم عدالت و گسترش آن وظیفه دولت است نه مردم، آن هم مردمی که در زیر فشار اقتصاد و تورم بریده‌اند، بد نیست نگاهی به همین کشورهای منطقه بیندازید و ببینید برای آموزش چه کرده و چه می‌کنند. به خود ببینید! امروز دوران تحصیل شما نیست که عدالت آموزشی فقط در گسترش نیازهای سخت‌افزاری باشد. کمی از مشاوران خود و دیدگاه‌های آنان که اغلب هوادار برون‌سپاری آموزش‌اند، فاصله بگیرید و به واقعیت‌های موجود در جهان، کشور و آموزش و پرورش آن برگردید؛ به کمبود فزاینده بودجه، به معلمان گرفتار در گرداب اقتصاد، به صدها هزار کودک بازمانده از آموزش و میلیون‌ها نوا‌آموز بازمانده از یادگیری، به ریشه اصلی ناکارآمدی ساختار مدرسه‌ای، به درون‌مایه‌هایی که دیگر جذابیتی برای نسل‌های کنونی ندارند و لجبوزانه در بر پاشنه پیشین چرخانده می‌شود، به گریز ساختار آموزشی از شادی و سرخوشی در کلاس و مدرسه، به درک نسل اینترنت و شبکه اجتماعی و هوش مصنوعی که تنها خواسته‌شان زندگی است، به وظایف ذاتی دولت، به اقتصاد تحریم‌زده‌ای که بیشترین فشار را بر ساختار آموزشی وارد کرده، به شعارهای بر زمین مانده خود، به دل شکسته و ناامید کسانی که به شما دلخوش کردند، به ...! آقای پزشکیان! بیش از یک سال گذشت، با حلواحلوا دهان شیرین نمی‌شود. این زمان و فرصت‌هاست که به‌سرعت می‌گذرد.